

جنسیت و نقش‌های اجتماعی در مجلات کودکان (آزمون نظری نقش تالکوت پارسونز)

سوده مقصودی^۱

سمیرا تندولی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۶

چکیده

هدف و انگیزه انجام این پژوهش شناسایی و مقایسه نقش‌های اجتماعی زن و مرد در مجلات کودکان و نوجوانان است. بنابراین، سعی شده تا زنان و مردان داستان‌های مجلات در قالب شانزده نقش معرفی شده پارسونز و از نظر ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت طبقاتی که در داستان بدان اشاره شده، نوع تفریح، فعالیت‌های سیاسی، تصمیم‌گیری، مهربانی، ایمان، زیبایی و جزآن با یکدیگر مقایسه شوند. بررسی متغیرهایی چون جنسیت نویسنده و تصویرگر بر ارائه تصاویر و نقش‌های اجتماعی هدف دوم تحقیق است. نمونه آماری در این تحقیق شامل تمامی داستان‌های مجلات دوست، دانش‌آموز و نوآموز و شامل ۱۱۷ داستان است که به شیوه تصادفی انتخاب شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تبیینی یعنی مطالعه داستان‌های مجلات و شناسایی مقولات مطرح شده در آن‌ها و تکنیک تحقیق، تحلیل محتواست. داده‌های مورد نیاز توسط پرسشنامه معکوس جمع‌آوری شد. سپس، فرضیه‌ها با برنامه نرم‌افزاری SPSS به وسیله آزمون کی دو (مربع کای) تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهشی نشان داد که زنان برعکس مردان غالباً نقش‌های عادی برعهده دارند تا نقش‌های بانفوذ، کمکی یا راهبردی. علاوه بر این، بین جنسیت نویسنده و جنس با ایمان، جنس نقش اول داستان، فعالیت سیاسی مرد و نحوه کسب نقش مرد رابطه‌ای معنادار وجود دارد اما میان بقیه متغیرهای تحقیق رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین، مشخص شد که نقش زنان در این مجلات با نقش‌های متنوع و گسترده زنان در جامعه امروزی ایران سنخیتی ندارد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، داستان‌های مجلات کودکان، نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد.

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) smaghsoodi@uk.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران sm.tnd2012@yahoo.com

مقدمه

بی‌شک کودکان و نوجوانان امروز سازندگان جامعه فردا خواهند بود و چگونگی پرورش اجتماعی آنان نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت آنان و نهایتاً در رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه خواهد داشت. این فرایند در علوم اجتماعی و علوم رفتاری تحت عناوینی چون جامعه‌پذیری، اجتماعی‌شدن و یادگیری اجتماعی بحث می‌شود. در این خصوص نظریه‌های متعددی از جانب جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت عرضه شده است که در این زمینه نظریه تقویت رفتار (رفتارگرایی)، نظریه شناختی (شناخت‌گرایی)، دیدگاه کنش متقابل نمادین، دیدگاه کارکردگرایی، مکتب تضاد و جزآن را می‌توان نام برد. براساس دیدگاه‌های مذکور عوامل متعددی در اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان مؤثرند که از آن میان می‌توان به خانواده، گروه‌های همسالان، نظام آموزشی رسمی (مدرسه) و رسانه‌های گروهی از قبیل رادیو، تلویزیون، فرآورده‌های چاپی، نشریات، مجلات و کتاب‌ها اشاره کرد (بی‌نا، ۱۳۷۳: ۹۴).

گرچه بزرگسالان مهم‌ترین عامل اجتماعی کردن کودکان دختر و پسرند، اما غیر از بزرگسالان عوامل دیگری چون اسباب‌بازی‌های کودکان، کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها، مجلات و به‌طور کلی رسانه‌های گروهی چون رادیو، تلویزیون، مدرسه و گروه‌های همسالان بر اجتماعی شدن جنسی کودکان تأثیر می‌گذارند. از بین همه این عوامل، داستان‌ها به دلایلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، زیرا:

۱. برخلاف کتاب‌های آموزش رسمی، کودکان و نوجوانان را مستقیماً هدف گفته‌های خود قرار نمی‌دهند، بلکه درصدد پاسخگویی به تمایزهای گوناگون خوانندگان خود به‌طور غیرمستقیم‌اند. در نتیجه، میزان تأثیر آن‌ها بر کودکان و نوجوانان بسیار بیشتر است.

۲. داستان‌ها قدرت تخیل کودک و نوجوان را افزایش می‌دهند.

۳. منعکس‌کننده ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی جامعه‌اند.

خانواده و جامعه سعی دارند نقش‌های اجتماعی را به کودکان بیاموزند. در این بین مجلات با ارائه نقش‌ها (در قالب قصه) به کمک آن‌ها می‌آیند و قالب‌های رفتاری هر جنس را ارائه می‌دهند. لذا، معرفی نقش‌های زن در مجلات از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابر گزارش‌های محققان، در اکثر کتاب‌های کودکان و نوجوانان، مردان و پسران همواره شجاع،

فعال، ماجراجو، کاشف، مستقل و کارا معرفی می‌شوند، در حالی که دختران موجوداتی اند منفعل، محافظه‌کار، خانه‌نشین، وابسته و غیرکارا. تبعیض جنسی و کلیشه‌های جنسی در جوامع مردسالار ریشه دارد، به طوری که این تبعیض‌ها به داستان‌ها و افسانه‌ها کشیده می‌شود و آنقدر ریشه‌دار است که ما خود به عنوان زن یا مرد نسبت به آن آگاه نیستیم (کافری، ۱۳۸۰: ۶۸).

از آنجا که کودکان و نوجوانان از مطالعه مجلات خاص خود لذت می‌برند و از شخصیت‌های آن‌ها الگو می‌گیرند و از آنجا که تاکنون تحقیقاتی که درباره نقش‌های دو جنس (زن و مرد) در مطبوعات صورت گرفته بسیار اندک است، بر آن شدیم تا به مقایسه نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد در داستان‌های مجلات بپردازیم. بنابراین سه مجله دانش‌آموزی دانش‌آموز، نوآموز و دوست را نمونه آماری این تحقیق در نظر گرفته‌ایم.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بیشتر بررسی نقش‌های زنان است ولی نقش‌های مردان نیز به عنوان معیاری برای مقایسه در نظر گرفته شده است. بنابراین، هدف اساسی از انجام این بررسی شناسایی و مقایسه نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد در داستان‌های مجلات است که علاوه بر این هدف، اهداف دیگری به شرح زیر در نظر است:

۱. بررسی تأثیر جنسیت نویسنده و تصویرگر در ارائه تصاویر و نقش‌های جنسی زن و مرد
۲. مقایسه ویژگی‌های بارز شخصیتی، نوع تفریح، نوع فعالیت سیاسی، اخلاقیت، تصمیم‌گیری، موفقیت، ایمان، اخلاق، قدرت و زیبایی زن و مرد با یکدیگر
۳. مقایسه نوع نقش و نحوه کسب نقش زن و مرد بر اساس نظریه پارسونز
۴. برآوردی از تعداد تصاویر و رنگ لباس زن و مرد
۵. بررسی تجانس یا عدم تجانس تصویر زن در داستان‌های مجلات با نقش زن در جامعه متحول امروز.

پیشینه پژوهش

خانواده، مدارس، رسانه‌ها و مطبوعات از زنان تصویری مطیع، منفعل، عاطفی و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم کرده‌اند. دیدگاه‌های جامعه‌پذیری و نظریه‌های مربوط به ایفای نقش معتقدند که رفتار و نقش مناسب برای مادران و زنان تا حدی

به آموزه‌هایی برمی‌گردد که در طول جامعه‌پذیری داشته‌اند. حتی بخشی از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده به کارکرد نقش‌های سنتی جنس مذکر و مؤنث برمی‌گردد. به اعتقاد ریتزر، در چنین جامعه‌ای از زنان انتظار می‌رود که نسبت به مردان نقش مطیع داشته باشند و البته تاحدی در چنین شرایطی زنان نقش جنسی پایگاه مطیع بودن را می‌پذیرند (مهدوی و صبوری خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۳۹).

تحقیقاتی که تاکنون دربارهٔ مقولهٔ زن در مطبوعات صورت گرفته بسیار اندک بوده است که در اینجا به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. تصویر زن در آئینهٔ مطبوعات یومیه (بدیعی). در این مقاله سعی شده است که مفاهیمی نظیر روزنامه، نشریهٔ زنان، همین‌طور مفهوم نقش تصویری زن تجزیه و تحلیل شود. سپس، با تحلیل محتوای اخبار، گزارش‌ها و مقالات یکی از روزنامه‌های پرتیراژ کشور، مثل روزنامهٔ کیهان، در طول بیشتر از یک سال از اول خرداد ماه ۷۲ تا پنجم آذرماه ۷۳ جایگاه بسیار کم‌رنگ زنان و مسائل آن‌ها در مطبوعات یومیه تبیین شود.

۲. سیمای زن در مطبوعات، مقایسهٔ تطبیقی محتوای مجلهٔ زن روز در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی (رمضانی). در این پژوهش به تاریخچه و نقش و جایگاه زن از ایران باستان تاکنون، همراه با تاریخ نشریات بانوان، بررسی دیدگاه‌های مربوط به نقش و وظایف رسانه‌های جمعی و تشریح نظریه‌های ارتباطی پرداخته شده است. محقق با استفاده از روش تحلیل محتوا و ارائهٔ جداول آماری، مطالب تحریری و آگهی‌های بازرگانی نشریهٔ زن روز را تحلیل کرده تا نقش و جایگاه زن در محتوای نشریه بررسی شود و تصویری از سیمای زن در دو دورهٔ متفاوت به دست آید (رسولی، ۱۳۷۹: ۱۷).

۳. بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان (صادقی جعفری، ۱۳۸۷). این مقاله نشان داد که نگرش نویسندگان نسبت به نقش‌های جنسیتی طی سه دورهٔ زمانی جنگ، سازندگی و اصلاحات با تغییر واقعیت‌ها متفاوت است. نتایج پژوهش او بیانگر آن است که چیرگی کامل ارزش‌ها مربوط به ایدئولوژی مردسالارانه در ذهن نویسندگان و احتمالاً خوانندگان وجود دارد به گونه‌ای که حتی نویسندگان زن نیز در بیشتر داستان‌های خود شخصیت‌های اصلی را از میان مردان انتخاب کرده‌اند (صادقی جعفری، ۱۳۸۷: ۷۱).

در خارج از ایران پژوهش‌های بری‌من (۱۹۷۷)، شارپ (۱۹۷۶، ۱۹۸۴) و واکرداین (۱۹۸۵) نیز نشان می‌دهد که چگونه داستان‌های کودکان به لحاظ موضوع داستان، نوع شخصیت‌ها و

فعالیت شخصیت‌های داستانی، به تبعیض جنسی دامن می‌زنند و وضعیت موجود را طبیعی نشان می‌دهند (دی‌کرو و همکاران، ۱۹۷۲:۲۳). نتیجه پژوهش‌های یونسکو در سال ۱۹۸۱ نشان داد که کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در کتاب‌های کودکان همه کشورهای مورد مطالعه وجود داشته و عمده این کلیشه‌ها به ضرر زنان است. همچنین، طبق نظر گرت، پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که ادبیات کودکان کلیشه‌های جنسی سنتی را تقویت می‌کنند. این به معنای وجود کلیشه‌ها، تصویر جهانی مردسالار و ماهیت غیرواقعی جهان در اکثر داستان‌هاست. در افسانه‌های پریان (نظیر *زیبای خفته* یا *سیندرلا*) زنان و دختران را وابسته و قربانی جلوه می‌دهند، حال آنکه مردان، قهرمانانی عاشق‌پیشه و مشکل‌گشایانی زیرک‌اند (هاو، ۲۰۱۳:۵۵).

۴. صدری (۱۳۶۶) پایان‌نامه خود را با عنوان *بررسی کیفیت تصویر در کتاب‌های تصویری کودکان ایران (۶۴-۵۸)* عرضه کرد. در این پژوهش به بررسی تصویر براساس رنگ و سبک و انتخاب وسیله، نحوه ارائه حالت، حرکت تصویر و بسیاری از مفاهیم دیگر پرداخته و در آخر کیفیت تصاویر کتاب‌ها را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش او نشان داد که در هفت سال پس از انقلاب تصویر در کتاب‌های تصویری نتوانسته اصالت خود را، اعم از نقش تربیتی، آموزشی و هنری ایفا کند (فضلعلی، ۱۳۸۸:۵۵).

۵. مقایسه نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد در کتب داستانی کانون پرورش فکری (مقصودی ۱۳۸۰). مقصودی در مورد دویست کتاب داستانی کودکان به این نتیجه رسید که تبعیض‌ها و کلیشه‌های جنسیتی در این کتاب‌ها به وفور مشاهده می‌شود، به طوری که زنان اغلب نقش‌های عادی و خانه‌داری را ایفا می‌کنند؛ درحالی که مردان نقش‌های مهم سیاسی-اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی را عهده‌دارند. این در حالی است که زنان در جامعه و در واقعیت نقش‌هایی متفاوت با این کتاب‌ها بر عهده دارند (غفوری و مقصودی، ۱۳۸۰:۱۵۶).

چارچوب نظری

اجتماعی کردن از دیدگاه کارکردگرایی ساختاری پارسونز

بنابر تعریف لیتنن، انسان‌شناس آمریکایی، پایگاه عبارت است از مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و نقش عبارت است از جنبه پویای یک پایگاه؛ بدین معنی که اعمال حقوق و وظایف، ایفای نقش خواهد بود (ساروخانی، ۱۳۷۰:۷۲۳). آموزش نقش در کتاب‌ها و داستان‌ها بخشی از

اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیری کودکان است. بنابراین، بر همین اساس نظریه‌های مربوط به این موضوع در این بخش بررسی شدند.

به اعتقاد پارسونز کنشگران در فراگرد اجتماعی شدن گیرندگان منفعل‌اند و اجتماعی شدن را فراگرد محافظه‌کارانه‌ای می‌دانند که طی آن تمایلات نیازی را فراهم می‌سازد. اجتماعی کردن و نیز نظرات اجتماعی از دید او سازوکارهای اصلی‌اند که نظام اجتماعی نیز از طریق آن‌ها توازن خود را حفظ می‌کند (ریترز، ۱۳۷۴:۱۳۶).

پارسونز معتقد است از آنجا که هنجارها و ارزش‌های تلقین شده در کودکان گرایش شدیدی به عمومیت دارند، نمی‌توانند آن‌ها را برای موقعیت‌های گوناگون و ویژه‌ای آماده سازند که در بزرگسالی با آن روبه‌رو می‌شوند. در نهایت، اینکه هنجارها و ارزش‌هایی که به کودکان یاد داده می‌شود گرایش به ثبات دارند و همچنان در سراسر عمر باقی می‌مانند. او در رابطه با آموزش نقش‌ها به عنوان بخشی از اهداف جامعه‌پذیری معتقد است که یک نظام اجتماعی باید فرصت‌های نقشی گسترده‌ای را برای اعضایش فراهم کند تا شخصیت‌های گوناگون بتوانند بدون تهدید یکپارچگی نظام، ابراز وجود کنند و به بازتعریف هویت اجتماعی خود پردازند (همان: ۲۷۱). منظور از بازتعریف هویت اجتماعی، میزان مقاومت زنان در برابر هویت‌های سنتی با باورهای کلیشه‌ای و جنسیتی است، به میزانی که زنان با این هویت‌ها یا باورهای کلیشه‌ای درباره‌ی هویت زنان مخالفت کنند، بیشتر در هویت اجتماعی خود تأمل و به بازتعریف آن اقدام کنند (ساروخانی و رفعت‌جاء، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

اجتماعی کردن از دیدگاه کنش متقابل نمادین

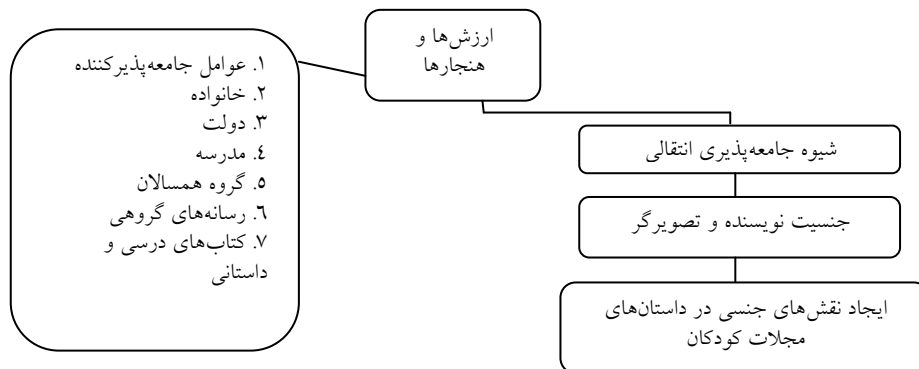
این نظریه‌پردازان معتقدند که انسان‌ها در فراگرد اجتماعی شدن نقش فعالی ایفا می‌کنند و تنها تحت سلطه‌ی الگوهای فرهنگی نیستند. بنابراین، هر آنچه را در این فراگرد آموزشی کسب می‌کنند در بست نمی‌پذیرند؛ بلکه بر حسب موقعیت و مصالح زمانی و مکانی در این فراگرد دخل و تصرف می‌کنند، حال آنکه بیشتر جامعه‌شناسان سنتی در این مورد برای فرد نقش فعال و خلاق قائل نیستند و او را بیشتر پذیرنده‌ای منفعل در نظر می‌گیرند (همان: ۳۱۵).

در جامعه‌ی ما نقش‌های جنسی در وهله‌ی نخست، در خانواده تعریف می‌شوند و احساس ما را نسبت به خودمان و رفتارمان شکل می‌دهند. نقش هر جنس تمام جوانب زندگی او را دربرمی‌گیرد و بر نقش کاری ارجحیت دارد، در صورتی که با نقش جنسی تطابق نداشته باشند.

برای مثال، سلطه‌جویی و استقلال از نقش‌های مردانه و مطیع بودن، کنش‌پذیری و بچه‌داری از نقش‌های زنانه است. همچنین، زنانگی مطلوبی که بسیاری از فرهنگ‌ها تجویز می‌کنند فداکاری و خودداری از پرخاشگری و سلطه‌جویی است. براساس یک بررسی فراتحلیلی ۱۷۲ مطالعه روان‌شناختی اجتماعی، ایگلی و کرولی (۱۹۸۶) به این نتیجه رسیدند که نقش کمکی مردان جسورانه و دلاورانه و نقش کمکی زنان لطیف و دلسوزانه است (بی‌نا؛ ۱۳۸۳: ۹۴). هدف تحقیقات جنسیتی این است که نشان دهند چگونه جنسیت در بافت‌های مختلف ایجاد و بازتولید می‌شود و این جنسیت چگونه به روش‌های مختلف در جامعه روش‌مند و نظم جنسیتی نامیده می‌شود (وال، ۱۳۸۳: ۴۳).

نظریه نقد ادبی جنسیتی

دیدگاه نقد ادبی جنسیتی این سؤال اساسی را مطرح می‌سازد که تجربه‌های زنان و صدای زنانه تا چه حد در ادبیات بازتاب یافته است. نقد ادبی فمینیستی، نحوه معرفی زنان را در آثار مردان و زنان نویسنده بررسی می‌کند. به نظر آن‌ها، مردان نویسنده زنان را اغلب موجوداتی ضعیف در مقابل مردان قوی مطرح می‌کنند، درحالی که به نظر ویرجینیا وولف «زنان نویسنده نیز یا سعی می‌کنند مثل مردان بنویسند یا آن طوری بنویسند که مردان از آن‌ها انتظار دارند» (تمیزی، ۱۳۷۹: ۴۵). در پژوهش حاضر جهت بررسی نقش و پایگاه اجتماعی زن و مرد در مجلات کودکان از نظریه نقش پارسونز و جهت بررسی نقش نویسنده از نظریه نقد ادبی جنسیتی استفاده شده است. در شکل ۱ مدل تحلیلی تحقیق حاضر نشان داده شده است.



شکل ۱. نحوه عمل جامعه‌پذیری جنسیتی در جامعه

طبق نظریه پارسونز فعالیت هر انسانی را می‌توان براساس چهار حوزه (بخش) تقسیم کرد: امور اقتصادی، امور سیاسی، امور اجتماعی، و امور فرهنگی. بر این اساس نقش‌های افراد را می‌توان به صورت افقی در ارتباط با چهار حوزه مزبور به انواع اصلی زیر تقسیم کرد: فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. همچنین، پارسونز معتقد است که نقش را می‌توان براساس میزان مصرف انرژی و اطلاعات به صورت عمودی به نقش‌های راهبردی، بانفوذ، کمکی و عادی تقسیم کرد.

نقش راهبردی نقشی است که کمترین انرژی را مصرف می‌کند ولی مصرف‌کننده بیشترین اطلاعات است. بنابراین، بر سایر نقش‌ها نظارت دارد و کار تنسيق نهادی، جهت‌دهی و تعیین هدف را به عهده دارد.

نقش بانفوذ در سلسله مراتب اطلاعات و کنترل بعد از نقش راهبردی قرار می‌گیرد. این نقش کار هماهنگی، عملیاتی کردن اهداف و فعال کردن تعهد را به عهده دارد.

نقش کمکی کار نظارت بیرونی و آنی را بر اجرای امور جهت تحقق اهداف به عهده دارد. به‌طور کلی، این نقش بیشتر مصرف‌کننده انرژی است تا مصرف‌کننده اطلاعات.

نقش عادی، برخلاف نقش راهبردی در تماس نزدیک با جهان عینی است. این نقش بیشترین انرژی را مصرف و از اطلاعات کمی استفاده می‌کند. اجرای وظایف روزمره از انتظارات ماهوی این نقش‌هاست (چلپی، ۱۳۷۵: ۱۷۱). در این پژوهش سعی شد از نظریه نقش اجتماعی پارسونز در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری استفاده شود؛ یعنی، اگر نقش‌های عمودی (راهبردی، بانفوذ، کمکی و عادی) را در ارتباط با نقش‌های افقی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) قرار دهیم، به مجموعه شازنده‌تایی از نقش‌ها دست خواهیم یافت. بنابراین، در این پژوهش سعی شده نقش‌های زنان و مردان بر اساس الگوی پارسونز ارزیابی شوند که عبارت‌اند از:

- راهبردی اقتصادی، راهبردی سیاسی، راهبردی اجتماعی و راهبردی فرهنگی
- نفوذ اقتصادی، نفوذ اجتماعی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی
- کمکی اقتصادی، کمکی اجتماعی، کمکی سیاسی و کمکی فرهنگی
- عادی اقتصادی، عادی اجتماعی، عادی سیاسی و عادی فرهنگی.

سؤال‌های اساسی تحقیق

- مهم‌ترین سؤال‌هایی که محقق را به پژوهش در این موضوع برانگیخته است عبارت‌اند از:
۱. زنان چه حجمی از مطالب داستان‌های مجلات کودکان را به خود اختصاص داده‌اند و اصولاً فضای داستان‌های مجلات کودکان و نوجوانان مردانه است یا زنانه؟
 ۲. نقش‌هایی که در این داستان‌ها به زنان یا مردان نسبت داده شده طبق نظریه پارسونز از چه نوعی‌اند (راهبردی، نفوذی، کمکی، عادی یا...)?
 ۳. تفاوتی که در نقش‌های زن و مرد دیده می‌شود تحت تأثیر چه عواملی است (جنسیت نویسنده، جنسیت تصویرگر و...)?
 ۴. آیا نقش زنان و مردان در جامعه امروز ایران با نقش‌هایی مطابقت دارد که در مجلات ارائه می‌شوند؟

روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تبیینی و مشاهده مجلات کودکان و نوجوانان و تکنیک تحقیق تحلیل محتواست. جامعه آماری تحقیق مجلات کودکان است که از بین این مجلات سه مجله دانش‌آموز، نوآموز و دوست به طور تصادفی انتخاب شد. همچنین، سعی شده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده و از بین مجلات کودکان و نوجوانان سه مجله فوق انتخاب و در این مجلات نیز تنها داستان‌های مجلات بررسی شد.

یافته‌های تحقیق

- مهم‌ترین نتایجی که با مطالعه داستان‌های کودکان و نوجوانان در مجلات (دوست، نوآموز، دانش‌آموز) به دست آوردیم عبارت‌اند از:
- بیشتر تصویرگران داستان‌ها مرد (۲۵٪) و تنها ۲٪ از این تصویرگران زن بودند. لازم به توضیح است که جنسیت بقیه تصاویر داستان‌ها نامشخص بود.
 - ۴۶٪ از نویسندگان داستان‌ها مرد و ۲۳٪ از نویسندگان زن بودند.

- در ۵۱٪ داستان‌ها فاقد تصویر زن بودند و در ۱۳٪ داستان‌ها تنها یک تصویر از زن مشاهده شد.
- محل حضور مرد در داستان‌ها خارج از خانه (۷۰٪) و محل حضور زن در داخل خانه (۵۰٪) بود.
- نقش اول داستان‌ها اغلب مردان بودند (۷۶٪).
- اکثر زنان در داستان‌های مورد بررسی فاقد هرگونه فعالیت سیاسی بودند (۶۷٪) در حالی که ۵۵٪ از مردان فعالیت سیاسی نداشتند و در ۲/۵٪ داستان‌ها مرد نقش حاکم، ۳۱٪ رهبر سیاسی گروه، ۱٪ شرکت در تظاهرات و ۵٪ دفاع از خود و وطن را برعهده داشته‌اند.
- جنس تصمیم‌گیر در ۶۹٪ داستان‌ها مرد، در ۱۸٪ زن و در ۲/۵٪ هر دو بودند.
- مردان در ۵۸٪ از داستان‌ها و زنان در ۱۷٪ داستان‌ها موفق بودند.
- جنس با ایمان در ۳۴٪ از داستان‌ها مرد و در ۱۲٪ زن بودند.
- در ۲۲٪ داستان‌ها جنس مهربان مرد، در ۳۱/۵٪ زن و در ۳٪ هر دو بودند.
- ویژگی بارز زنان در ۳۰٪ داستان‌ها ضعف و ناتوانی، در ۳۵٪ مهربانی و در ۱۳٪ راهنمایی دیگران بوده است. در حالی که ویژگی بارز مردان به ترتیب (۱۲٪) اقتدار، (۱۱٪) شجاعت، (۱۰٪) فداکاری و (۹٪) ایمان به خود به تصویر کشیده شده است.
- در بیشتر داستان‌ها جنس قوی مردان بودند (۲۰/۵٪) و تنها در ۷٪ داستان‌ها جنس قوی زن بودند.
- در ۶۸٪ داستان‌ها رنگ لباس مرد روشن و فقط در ۴۴٪ داستان‌ها رنگ لباس زن روشن بود.
- کارکرد نهاد خانواده در ۵٪ داستان‌ها اجتماعی کردن فرزندان، ۲۲٪ نهاد آموزش و پرورش تقویت تطبیق افراد با ارزش‌ها و روابط اجتماعی، ۷٪ بالا بردن روحیه انسجام اجتماعی و همبستگی افراد، ۸/۵٪ نهاد اقتصاد تولید کالا و خدمات مورد نیاز جامعه و ۱۰٪ کارکرد نهاد حکومت در حل و فصل درگیری بین اعضای جامعه بود.
- در ۳۹٪ داستان‌ها نقش عادی اجتماعی، در ۲٪ عادی اقتصادی و در ۳٪ کمکی فرهنگی برای زنان در نظر گرفته شده است.
- در ۳۳٪ داستان‌ها نقش راهبری سیاسی، در ۱۷٪ عادی اقتصادی، در ۷٪ کمکی سیاسی و در ۲۵٪ عادی اجتماعی و عادی سیاسی برای مردان منظور شده است.

- نحوه کسب نقش ۲/۵٪ زنان و ۴۶٪ مردان اکتسابی بودند.
 - ۸۲٪ زنان و مردان فاقد هرگونه تفریح بودند اما در صورت وجود تفریح برای ۷٪ مردان بازی و سرگرمی، ۳٪ فعالیت‌های هنری و ۲٪ گردش در اطراف به چشم می‌خورد. اما تنها ۵٪ زنان بازی و سرگرمی و ۲٪ به ورزش و فعالیت‌های هنری می‌پردازند.
- توضیحات جدول ۱ نشان می‌دهد که مردان غالباً نقش‌های راهبردی سیاسی و عادی اقتصادی را به عهده دارند، درحالی که زنان عمدتاً نقش‌های عادی اجتماعی و کمکی فرهنگی را پذیرفته‌اند و تنها ۱ درصد از زنان عهده‌دار نقش‌های راهبردی سیاسی بودند.

جدول ۱. بررسی رابطه بین جنسیت نقش اول داستان و نوع نقش

| نوع نقش‌ها | جنسیت نقش اول | | درصد | زن | درصد |
|-----------------|---------------|-----|------|-----|------|
| | مرد | زن | | | |
| راهبردی اقتصادی | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| نفوذ اقتصادی | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| کمکی اقتصادی | ۲ | ۲ | ۲ | ۰ | ۰ |
| عادی اقتصادی | ۲۰ | ۲ | ۱۷ | ۲ | ۲ |
| راهبردی سیاسی | ۳۹ | ۱ | ۳۳ | ۱ | ۱ |
| نفوذ سیاسی | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ |
| کمکی سیاسی | ۸ | ۰ | ۷ | ۰ | ۰ |
| عادی سیاسی | ۳ | ۰ | ۲/۵ | ۰ | ۰ |
| راهبردی اجتماعی | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ |
| نفوذ اجتماعی | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ |
| کمکی اجتماعی | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| عادی اجتماعی | ۳ | ۳۹ | ۲/۵ | ۴۶ | ۳۹ |
| راهبردی فرهنگی | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| نفوذ فرهنگی | ۲ | ۰ | ۲ | ۰ | ۰ |
| کمکی فرهنگی | ۲ | ۳ | ۲ | ۴ | ۳ |
| عادی فرهنگی | ۲ | ۱ | ۲ | ۱ | ۱ |
| فاقد مرد و زن | ۶ | ۱۵ | ۵ | ۱۸ | ۱۵ |
| نامشخص | ۲۷ | ۳۷ | ۳۳ | ۴۳ | ۳۷ |
| جمع | ۱۱۷ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۱۷ | ۱۰۰ |

تطابق یافته‌های پژوهش با نظریه پارسونز

یکی از اهداف پژوهش حاضر مقایسه تصویر زن در داستان‌های مجلات با نقش زن در جامعه متحول ایرانی بوده است. اگرچه در جامعه امروز، زن ایرانی در نقش‌های مختلف نظیر پزشک، مهندس، وکیل، کارمند امور دفتری، مدیر و جز آن ظاهر می‌شود، اما ترسیم نقش زن در داستان‌های مجلات بسیار ساده و پیش‌پاافتاده و نقش زن در داستان‌های مجلات به نقش‌های ساده مادر، همسر و جز آن منحصر شده است. این درحالی است که زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حضور و مشارکت فعال خود را نشان داده‌اند. مطابق نتایج به دست آمده از آمارنامه‌ها در سال ۱۳۹۰ نرخ مشارکت اقتصادی در جمعیت ۱۰ ساله ۶۰/۷ درصد در بین مردان و ۱۲/۶ درصد در بین زنان بوده است. همچنین، آمارها بیانگر این مطلب‌اند که در سال ۱۳۹۰ از کل شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر ۸۹/۳ درصد باسواد و ۱۰/۷ درصد بیسواد بوده‌اند که این نسبت برای مردان به ترتیب ۹۰/۵ درصد و ۹/۵ درصد و برای زنان ۸۳ درصد و ۱۷ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

با نگاهی به جدول ۲ و آمارهای سال ۱۳۹۰ می‌توان دریافت که زنان همچون مردان توانسته‌اند در مشاغل گوناگون نظیر مقامات عالی‌رتبه، مدیران، تکنسین‌ها، متخصصان و جز آن به ایفای نقش بپردازند و امروز مقامات عالی‌رتبه منحصراً در اختیار مردان نیست؛ بلکه زنان نیز در نقش‌های مدیریتی و ریاستی حضور پررنگ خود را به نمایش می‌گذارند. اما با وجود ورود زنان ایرانی در مشاغل گوناگون، تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان مشاغل واقعی زنان در جامعه امروز و مشاغل ترسیم شده در داستان‌های مجلات کودکان وجود دارد، چرا که مشاغل زنان در داستان‌های مجلات به مشاغلی ساده نظیر آرایشگری، معلمی، پرستاری، خیاطی و جز آن منحصر شده است و سمت‌های عالی‌رتبه در حوزه‌های مختلف و خصایص برتر قدرت، ابتکار، خلاقیت، تدبیر و جز آن برای مردان تجسم یافته است. این در حالی است که در واقعیت نقش‌های اجتماعی مهمی اعم از کمکی، راهبردی و با نفوذ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را ایفا می‌کنند.

جدول ۲. مقایسه مشاغل مختلف در بین زنان و مردان سال ۱۳۹۰

| زن | مرد | مشاغل |
|------|------|---|
| ۲/۳ | ۲/۶ | قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران |
| ۲۴/۷ | ۵/۵ | متخصصان |
| ۶/۴ | ۴/۷ | تکنیسین‌ها و دستیاران |
| ۸/۶ | ۴/۲ | کارمندان امور دفتری و اداری |
| ۹/۲ | ۱۳/۸ | کارکنان خدماتی و فروشندگان |
| ۲۱/۸ | ۱۴/۴ | کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری |
| ۱۸/۷ | ۱۸/۹ | صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط |
| ۰/۸ | ۱۴/۶ | متصدیان و مونتاژکاران ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه |
| ۷/۲ | ۱۸/۵ | کارگران ساده |
| ۰/۳ | ۲/۸ | سایر و اظهار نشده |

توزیع نسبی برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب گروه‌های عمده شغلی به تفکیک جنس (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

آمار جدول ۳ نشان می‌دهد که اگرچه زنان در سه دوره جنگ، سازندگی و اصلاحات به میزان قابل توجهی در جامعه حضور داشته‌اند، اما نویسندگان موفق به ترسیم درصد واقعی حضور زنان در لابه‌لای داستان‌ها نشده‌اند. بنابراین، همچنان اختلاف زیادی میان میزان حضور زن در عالم واقعیت با داستان‌ها وجود دارد.

جدول ۳. مقایسه وضعیت فعالیت زنان در واقعیت و داستان در سه دوره تاریخی مهم در ایران

| دوره | درصد زنان | | درصد شخصیت‌های اصلی زن به کل شخصیت‌های اصلی |
|-----------|-----------|--------------|--|
| | در واقعیت | در داستان‌ها | |
| آ جنگ | ٪۴۸/۹ | ٪۲۱ | ۰ |
| ب سازندگی | ٪۴۸/۵ | ٪۳۸ | ٪۲۸ |
| پ اصلاحات | ٪۴۹ | ٪۲۸ | ٪۱۰ |
| جمع | - | ٪۲۹ | ٪۱۲ |

(آ) سرشماری سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷)

(ب) آمارگیری سال ۱۳۷۰

(پ) سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶ به نقل از صادقی جعفری، ۱۳۸۷: ۷۷)

با نگاهی به آمار جدول ۴ می‌توان دریافت که زنان در هر سه دوره جنگ، سازندگی و اصلاحات، از میزان سواد بالایی برخوردار بوده‌اند و در دوره اصلاحات درصد باسوادی زنان تا حد زیادی افزایش یافته است. این در حالی است که با وجود افزایش میزان باسوادی زنان در واقعیت، روند ترسیم سواد زنان در داستان‌ها کاهش یافته است و نویسندگان این سه دوره جنگ، سازندگی و اصلاحات نتوانسته‌اند شخصیت واقعی زنان را در داستان به تصویر بکشند، به طوری که اکثر زنان مجسم شده در داستان‌ها کسانی‌اند که از میزان تحصیلات و سواد خیلی پایینی برخوردارند.

جدول ۴. وضعیت سواد زنان در واقعیت و داستان در سه دوره تاریخی مهم در ایران

| دوره | درصد زنان | |
|-----------|---------------|-----------|
| | در جمعیت شهری | در داستان |
| آ جنگ | ٪۶۵/۴۳ | ٪۲۸ |
| ب سازندگی | ٪۷۶/۷۷ | ٪۱۳ |
| پ اصلاحات | ٪۸۰ | ٪۱۱ |

(آ) سرشماری سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷)

(ب) آمارگیری سال ۱۳۷۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۳)

(پ) سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶ به نقل از صادقی جعفری، ۱۳۸۷: ۸۳).

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها

متغیرهای اصلی در این پژوهش عبارت‌اند از جنسیت نویسنده و جنسیت تصویرگر. در ادامه به خلاصه‌ای از نتایج آزمون فرضیه‌ها اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که سطح سنجش مقولات تحقیق اسمی بوده و از آزمون کی دو (مربع کای) استفاده شده است.

جدول ۵. بررسی رابطه جنسیت تصویرگر داستان و تعداد تصاویر زن و مرد و رنگ لباس زن و مرد

| مقولات | Sig | Value |
|------------------|-------|-------|
| تعداد تصاویر زن | ۰/۸۲۳ | ۵/۱۲۹ |
| تعداد تصاویر مرد | ۰/۵۶۵ | ۷/۶۹۷ |
| رنگ لباس مرد | ۰/۵۷۵ | ۴/۷۶۳ |
| رنگ لباس زن | ۰/۸۲۵ | ۵/۱۰۵ |

۱. با توجه به آزمون فرضیه‌ها، مشخص شد که میزان Sig در همه مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، بین جنسیت تصویرگر و تعداد تصاویر زن و تعداد تصاویر مرد، رنگ لباس مرد و رنگ لباس زن رابطه معناداری وجود نداشت؛ یعنی چه تصویرگر مرد بود و چه زن، تعداد زن و مرد و رنگ‌های اختصاص یافته به هر کدام تغییری نمی‌کرد.

جدول ۶. بررسی رابطه جنسیت نویسنده و مقولات مرتبط با نقش‌های اجتماعی و جنسیت در

داستان‌ها

| جنسیت نویسنده | | مقولات |
|---------------|--------|---------------------|
| Value | Sig | |
| ۲۷/۰۱۸ | ۰ | نقش اول داستان |
| ۲۴/۸۶۰ | ۰/۰۰۹ | فعالیت سیاسی مرد |
| ۴۱/۵۷۷ | ۰/۰۲۷ | نوع نقش مرد |
| ۱۶/۰۱۱ | ۰/۰۱۴ | نحوه کسب نقش مرد |
| ۳۲/۰۵۳ | ۰/۱۹۱ | ویژگی بارز زن |
| ۴۵/۱۸۳ | ۰/۲۴۳ | ویژگی بارز مرد |
| ۲۵/۰۵۳ | ۰/۰۶۹ | نوع نقش زن |
| ۷/۹۷۷ | ۰/۰۹۲ | محل حضور زن |
| ۲/۴۹۴ | ۰/۶۴۶ | محل حضور مرد |
| ۳/۷۳۰ | ۰/۰۷۱۳ | نحوه کسب نقش زن |
| ۱۱/۴۸۳ | ۰/۴۸۸ | نوع تفریح مرد |
| ۲۷/۰۱۸ | ۰ | جنس باایمان |
| ۱۲/۹۷۲ | ۰/۱۱۳ | جنس قوی |
| ۹/۰۴۷ | ۰/۶۴۲ | جنس مبتکر |
| ۱۰/۷۴۰ | ۰/۰۰۹۷ | جنس موفق |
| ۵/۳۰۴ | ۰/۷۲۵ | جنس تصمیم‌گیر |
| ۴/۳۶۶ | ۰/۹۲۹ | جنس مهربان |
| ۵/۸۴۲ | ۰/۸۲۸ | جنس زیبا |
| ۸/۱۵۹ | ۰/۴۱۸ | وضعیت طبقاتی داستان |
| ۱۶/۳۳۰ | ۰/۰۱۹ | حوزه شغلی داستان |

با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بین جنسیت نویسندگان و نقش اول داستان، جنس باایمان، فعالیت سیاسی مرد، نوع نقش مرد و نحوه کسب نقش مرد رابطه معناداری وجود دارد. اما جنسیت نویسندگان با نوع نقش زن، ویژگی بارز مرد، ویژگی بارز زن، جنس قوی، مبتکر، تصمیم‌گیر، زیبا، مهربان، محل حضور مرد، محل حضور زن، فعالیت سیاسی زن، وضعیت طبقاتی داستان و حوزه شغلی داستان رابطه معناداری را نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش زن و مرد و رابطه و مقایسه این نقش‌ها با جنسیتشان بود. به همین دلیل سعی شد که از میان مجلاتی که برای کودکان منتشر می‌شود چندین مجله به طور تصادفی انتخاب شود. مجلات مورد نظر عبارت‌اند از *دانش‌آموز*، *نوآموز* و *دوست*. روش مورد استفاده در این تحقیق مطالعه اسنادی و تکنیک مورد استفاده تحلیل محتوا بود. همچنین، داده‌های حاصل از تحلیل مقولات در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج به دست آمده از یافته‌ها دربرگیرنده اطلاعات زیر است: جنسیت تصویرگر در ارائه تصاویر (حجم و کیفیت) تأثیری نداشت. البته، هم تصویرگران زن و هم تصویرگران مرد به دلیل اینکه مخاطبان اصلی‌شان کودکان بودند متناسب با روحیه کودکان رنگ تصاویر چه مرد و چه زن را روشن انتخاب کرده‌اند. با وجود این، تعداد تصاویر مردان بیشتر از تصاویر زنان بوده است.

نتایج نشان داد که جنسیت نویسندگان تأثیر زیادی روی انتخاب نقش اول داشت، چرا که نویسندگان مرد بیشتر نقش اول خود را مرد و نویسندگان زن بیشتر نقش اول خود را زن معرفی کرده‌اند. با توجه به اینکه بیشتر نویسندگان این داستان‌ها مرد بودند، نقش اول بیشتر داستان‌ها نیز مرد بوده است. همچنین، بیشتر نویسندگان چه ایرانی و چه غیرایرانی، برای مرد نقش راهبردی سیاسی (مانند رهبر و پادشاه) و برای زن نقش عادی اجتماعی (مانند خانه‌داری) را در نظر گرفته‌اند. این امر نشانه آن است که هنوز در جامعه ما نگرش سنتی به نقش‌های زن و مرد وجود دارد؛ یعنی، هنوز نویسندگان حاضر نیستند نقش‌های راهبردی و بانفوذ را برای زنان در نظر بگیرند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر با تحقیقات و نظریه‌های پیشین همچون پژوهش‌های بدیعی، رضانی، مقصودی و درخارج از ایران با وبری‌من، شارپ و واکرداین مطابقت دارد زیرا آن‌ها نیز در نشریات یومیه و کودکان این کلیشه‌های جنسیتی را تشخیص داده و آن‌ها را برای زنان مضر دانسته بودند.

همچنین، نویسندگان، هم مرد و هم زن، هنوز هم محل حضور زن را داخل منزل و حضور مرد را خارج از منزل می‌دانند که البته مردان اصرار بیشتری بر این موضوع داشتند تا زنان نویسنده.

اگرچه آمارهای مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ بیانگر آن است که میزان مشارکت اقتصادی زنان در جامعه افزایش یافته است و زنان هم‌ردیف مردان مشاغل گوناگونی نظیر مقامات عالی‌رتبه، متخصصان، تکنسین‌ها و جزآن را اشغال کرده‌اند، اما برخلاف حضور پررنگ زنان در جامعه، نویسندگان داستان‌های مجلات کودکان به ترسیم مشاغلی ساده نظیر خیاط، معلم، پرستار و جزآن اکتفا کرده‌اند و همواره تفاوت قابل توجهی میان تصویر واقعی زن ایرانی در جامعه و تصویر ترسیم شده در داستان‌های مجلات کودک وجود دارد.

طبق آمار سال ۱۳۹۰، ۸۳٪ زنان باسواد بودند، اما به رغم افزایش میزان باسوادی زنان، نویسندگان مجلات کودکان زن را فاقد سواد و تحصیلات بالا به تصویر کشیدند. همچنین، مقایسه ویژگی‌های زنان و مردان در داستان‌های مجلات کودک این نکته را آشکار می‌سازد که نویسندگان همواره ویژگی‌هایی چون ضعف و ناتوانی، مهربانی و فداکاری را برای زنان در نظر گرفته‌اند. این درحالی است که مردان به عنوان شخصیت برتر در داستان‌های مجلات با ویژگی‌های حائز اهمیتی چون اقتدار، قدرت، شجاعت و هوشمندی به تصویر کشیده می‌شوند. از این رو، با وجود تغییرات اجتماعی، سیاسی و تغییر نقش زنان در جامعه، هنوز نویسندگان مجلات موفق نشدند منطبق با این تغییرات، نقش و جایگاه زن را برای کودکان ترسیم کنند و کودکان ایرانی بر مبنای الگویی مردسالارانه و تبعیض‌آمیز نسبت به نقش زنان جامعه‌پذیر می‌شوند. نتیجه مقاله حاضر نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در واقع، نقش‌های ارائه شده در داستان‌های مجلات کودکان با نقش‌های متنوع حال حاضر زنان ایرانی هم‌گام نیست. این نتیجه با تحقیقات مقصودی و غفوری، صدری و صادقی جعفری نیز مطابقت دارد. برای مثال، صادقی جعفری که نقش زنان را در ایران در سه دوره تاریخی بررسی کرده است به این نتیجه دست یافته که تحولات نقشی زنان به هیچ عنوان با نقش زنان در ادبیات مکتوب تطابق ندارد و در این زمینه شکاف عمیقی مشاهده می‌شود.

منابع

- آبت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
- بارون لورس (۱۳۷۴)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشنایی، محمدیمنی دوزی سرخابی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۶)، *تحلیل و محتوا، نامه علوم اجتماعی* شماره ۳-۴: ۴۲-۵۳.
- بلاو، روش و اسنیلر، ان ماری (۱۳۷۲)، *مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بی‌نا (۱۳۸۳)، *زنان و رهبری، تنظیم، ترجمه واحد ارتباطات بین‌الملل مرکز امور مشارکت زنان، مجله ریحانه*، شماره ۷: ۹۴-۹۶.
- بی‌نا (۱۳۸۲)، *خبرنامه فرهنگی اجتماعی مرکز امور مشارکت زنان*، شماره ۳۵: ۳-۴.
- تمیزی، بکری (۱۳۷۹)، *تاریخچه نقد ادبی جنسیتی*، مجموعه مقالات جنس دوم به کوشش نوشین احمدی خراسانی، تهران، نشر توسعه.
- چلپی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران، نشر نی.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۹)، *ادبیات کودکان و نوجوانان و ویژگی‌ها و جنبه‌ها*، تهران، انتشارات روشنفکران، مطالعات زنان.
- رتیزر، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در ایران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- رید، اولین (۱۳۸۱)، *تحلیل طبقاتی زنان یا جنس ستم‌دیده*، ترجمه اصغر مهدی زاکان، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر و مریم، رفعت جاه (۱۳۸۳)، *زنان و بازتعریف هویت اجتماعی*، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۱۳۳-۱۶۰.
- صادقی‌جعفری، جواد (۱۳۸۷)، *سیمای زن در ادبیات کودکان، مطالعات زنان*، سال ۶، شماره ۱: ۷۱-۹۰.
- غفوری، محمود، مقصودی، سوده (۱۳۸۰)، *مقایسه نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد در کتب داستانی کودکان سال‌های ۷۸-۶۹، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۱۱ و ۱۰: ۵۳-۶۸.

- فصلعلی، طاهره (۱۳۸۸)، بررسی تصاویر کتاب‌های داستانی کودکان گروه سنی ب و ج، نشر شده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال‌های ۸۷ و ۸۰، فصلنامه دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی فناوری اطلاعات)، سال دوم، شماره ۷: ۵۳-۶۲.
- کافری، ان مک، (۱۳۸۰)، گفت و گو، ترجمه کاتاریناوندی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوانان، فصلنامه پژوهشی و تحلیلی و آموزشی، شماره ۴: ۶۳-۶۸.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه منصوره وثوقی، غلامحسین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر.
- گی روشه (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، مترجم عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات تبیان.
- گیدنر، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)
- مهدوی، محمدصادق و صبوری خرمشاهی، حبیب (۱۳۸۲)، ساختار توزیع قدرت در خانواده، مطالعات زنان، سال اول، شماره ۲: ۲۷-۶۷.
- نیک‌گهر، غلامحسین (۱۳۷۰)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات رایزن.
- وال، آنا (۱۳۸۳)، «زنان در نقش مدیر (گذاری بر پژوهش‌ها و نظریه‌ها)»، ترجمه بابک جعفری، مجله ریحانه، شماره ۷: ۶۹-۷۶.
- هرسین فر، الهام، (۱۳۸۲)، «تحول جامعه‌پذیری جنسیتی»، پژوهش زنان، دوره ۸، سال ۲، شماره ۷: ۸۹-۱۱۵.
- Decrow, K. and Lock, j. (1972) **Sex differences and discrimination in Education** , Worthington, Ohio: Charles, A, Jones: 23-44
- Graebner, D.B.(1972) "A decade of sexism in reader", **The Reading teacher**, No.26: 51-75.
- Howe, Michael, (2013) "Dramatic Gender Difference in NPR Stories", **Media and Entertainment**, No 23:55.
- Mc.Arthur, L.and S.V.Eisen, (1975), "Achievement of male and female story book characters as determinats of Achievement behavior by boys and girls", **journal of social Issues**, No 3:96-121.